

ناملی بر شراب‌های بهشتی و ویژگی آن‌ها در قرآن کریم

کاوس روحی برندق

علی حاجی خانی

محبوبه سرمدی

چکیده

قرآن کریم در بسیاری از آیات، تصویری از ویژگی‌های بهشت، نعمت‌های آن و زندگی بهشتیان ارائه می‌دهد. بررسی این آیات، می‌تواند باعث ایجاد انگیزه در انتخاب و پیمودن صراط مستقیم گردد؛ راهی که انسان همواره به طور فطری به دنبال آن است. یکی از نعمت‌های بهشتی که در آیات قرآن کریم از آن سخن به میان آمده «شراب بهشتی» است.

هدف این تحقیق تبیین اقسام و اوصاف شراب‌های بهشتی و بررسی درجات بهشتیان مشمول این نعمت (مخلصین، مقربین، ابرار و ...)، با استناد به آیات و روایات می‌باشد.

ماهیت و معنای شراب‌های بهشتی، بدون شک متفاوت از شراب دنیایی در معنای مصطلح آن به معنای خمر است. ضمن اینکه شراب‌های بهشتی دارای اقسام مختلف و ویژگی متمایزی است که بندگان خدا به تناسب درجات معنوی خود، از آن‌ها بهره‌مند خواهند شد.

با این بررسی روشن شد که نوشندگان شراب‌های بهشتی، مومنان خاص (مقربان و بندگان مخلص) هستند و مومنان عام (ابرار، اصحاب یمین و متقین) از حقیق آمیخته به شراب‌ها می‌نوشند. آن چه به‌عنوان نعمت‌ها، شراب‌های بهشتی و ویژگی آن‌ها، یادآوری شده، جملگی برای تقریب به ذهن مادی بشر، این گونه توصیف شده‌اند؛ اما حقیقت و باطن نعمت‌های بهشتی و شراب طهور و لذتی که برای بهشتیان ایجاد می‌کند قابل وصف نیست و البته نعمت معنوی رضوان الهی، از تمامی این نعمت‌ها برتر و والاتر است.

واژه‌های کلیدی: مقربان، شراب‌های بهشتی، قرآن.

k.roohi@modares.ac.ir

عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

ali.hajikhani@modares.ac.ir

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

m.sarmadi@modares.ac.ir

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۱

اصلاحات: ۹۵/۹/۱۴

دریافت: ۹۵/۸/۲

مقدمه

قرآن کریم، «شراب» را به عنوان یکی از نعمت‌های بهشتی معرفی نموده است که خداوند وعده آن را به مخلصین، مقربین، ابرار، و بندگان متقی خود داده است و ماء معین، کافور، تسنیم، شراب طهور، زنجبیل، سلسبیل از جمله آن‌ها می‌باشند. هر یک از این شراب‌ها دارای ویژگی‌هایی خاص و منحصر به فرد هستند؛ اما نقطه مشترک همه آن‌ها این است که شراب‌های بهشتی بر خلاف شراب دنیایی، نوشندگان را در چنان لذتی روحانی فرو می‌برد که هیچ دردسر و لغو و سایر عوارض منفی، که در نوع دنیایی هست، در آن‌ها وجود نداشته و مانند سایر نعم الهی به تناسب درجه قرب با خداوند، به افراد خاص داده می‌شود و ماهیتی کاملاً متمایز از شراب دنیایی دارند.

مقاله حاضر در صدد است با بهره‌گیری از آیات نورانی وحی و مراجعه به منابع تفسیری به تبیین و بررسی مفاهیم، ویژگی‌ها و تفاوت‌های هریک از شراب‌های بهشتی بپردازد. بدون شک تبیین ماهیت این اشربه و بیان اوصاف آن برای تمیز از شراب دنیایی (خمر) نیز لازم می‌نماید تا از این طریق پاسخی باشد در جواب کسانی که می‌گویند چرا خداوند در آیه ۹۰ سوره مائده، خمر (شراب انگور) را عملی شیطانی معرفی می‌کند، اما در آیات دیگر از آن بعنوان نعمت بهشتی یاد می‌شود و این شبهه ناشی از برداشت ناصواب از معنای شراب است. مضافاً این که توصیف نعمت‌های الهی در قیامت، می‌تواند در افراد، در راستای پیمودن صراط مستقیم برای وصول به نعمت‌های بهشتی، انگیزه ایجاد نماید.

۱. مفهوم شراب

ماده «ش، ر، ب» بر نوشیدن اطلاق شده و سپس بر هر آنچه که از نظر معنایی به آن نزدیک است به طور مجازی استعمال می‌گردد؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۶۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶: ۳۳) «شراب» نامی است برای آنچه نوشیدنی و غیر جویدنی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۲۵۷) و فرقی ندارد که آب باشد یا غیر آن. (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۳۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۸۸) اسم مکان آن «مشرّب» به معنای جایی است که مردم از آن آب می‌نوشند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۲۵۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۴۱) گرچه به معنای اسم زمان (زمان نوشیدن) نیز به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۸۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۲)

اما در اصطلاح فارسی «شراب» به نوعی نوشیدنی الکلی اطلاق می‌شود که از تخمیر عصاره انگور به دست می‌آید که با نام خمر در عربی شناخته می‌شود. در قرآن نیز برای بیان این

اصطلاح از واژه «خمر» استفاده شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ» (مائده/۹۰).

۲. انواع نوشیدنی‌های بهشتی در قرآن

ماده «شرب» ۳۹ بار در ۲۲ سوره و ۳۴ آیه از قرآن کریم به کار رفته است (ر.ک: عبدالباقی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۱) که در این بین در شانزده آیه (نظیر آیات: بقره/۲۵۹؛ بقره/۶۰؛ مریم/۲۶) بر شراب به‌عنوان نوشیدن هر نوع مایع در دنیا اشاره دارد، و در یک آیه به معنای عسل می‌باشد: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (نحل/۶۹) و مراد از آن در آیه ۹۳ سوره بقره، نوشیدن ظاهری نیست بلکه اثرگذاری در درون افراد می‌باشد؛ یعنی بنی اسرائیل به گوساله پرستی دل بستند و به آن عشق ورزیدند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۲) برهمنیان اساس و بنا بر یک تقسیم‌بندی، چهار نوع شراب وجود دارد: شراب مادی، شراب معنوی، شراب اخروی، شراب روحانی. (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶: ۳۰) در اینجا بحث در باره آن دسته از شراب‌های اخروی و روحانی است که نصیب بهشتیان می‌شود. از این شانزده یاد شده، شش آیه بر شراب‌های جهنم (واقعه/۵۴ و ۵۵؛ نبا/۲۴؛ انعام/۷۰؛ یونس/۴؛ کهف/۲۹) اشاره دارد و ۱۰ آیه بعدی به ذکر نوشیدنی‌های بهشتی پرداخته است، که در برخی موارد این شراب‌ها با نام خاص، ویژگی یا چشمه معین مطرح می‌شوند (ر.ک: انسان/۵؛ واقعه/۱۸؛ مطففین/۲۷) که در ذیل به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲. تسنیم: نام چشمه‌ای در بهشت که از شریف‌ترین شراب‌ها در بهشت می‌باشد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۹۲) در واقع یکی از برترین چشمه‌هایی که در درجات اعلاهی بهشت وجود دارد تسنیم است که مقربان از آن بهره‌مند شد و آب آن از بالا به پایین فرو می‌ریزد. (ر.ک: طبری، بی تا، ج ۲۴: ۲۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۷۲۳) این چشمه در طبقات بالای بهشت قرار دارد (مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۱۹۰) چنانچه فخر رازی نیز می‌نویسد: «آبی است که برای بهشتیان از بالا به پایین می‌آید و در قدهای آن‌ها ریخته می‌شود تا آنکه پر شود و آن آبی است که از قطره‌ای از آن به زمین آید دیگر اهل زمین تشنه نمی‌گردند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱: ۹۳) پس می‌توان گفت که در آیه ۲۷ سوره مطففین، منظور از «مزاجه من تسنیم» این است که طبیعت و مزاج شراب مقربان از تسنیم است که با آن آمیخته می‌شود یعنی از آب تسنیم که چشمه‌ای است در بهشت و آن بهترین نوشابه‌ها و شراب‌های بهشتی است و هیچ یک از نوشیدنی‌های بهشتی به پای آن نمی‌رسد و طبعاً اثری که در روح و جان

بهشتیان می‌گذارد از همه عالی‌تر، پر جاذبه‌تر و عمیق‌تر است و نشئه روحانی حاصل از آن غیرقابل توصیف است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۷۸)

۲-۲. سلسبیل: خداوند در سوره انسان، در ادامه بیان نعمت‌های بهشتی برای ابرار، از سیراب شدن آنان توسط ظرف‌هایی از طلا و پیاله‌های بلورین با شرابی که آمیزه‌ای از طعم زنجبیل دارد و از چشمه سلسبیل، یاد می‌کند: «و یَسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» (انسان/۱۷-۱۸). زنجبیل چیزی است که عرب خود را به آن خوشبو می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۲۳) و خداوند به بهشتیان وعده آن را داده است که بهشتیان از شرابی می‌نوشند که مزاج و طبیعت زنجبیل را دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۲۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۷۲) و آن از چشمه‌ای موسوم به سلسبیل منشا می‌گیرد.

اقوال دیگری نیز درباره زنجبیل وجود دارد. مثلاً آنکه گفته‌اند در عرب مرسوم بود که از زنجبیل به‌عنوان عطر و بوی خوش استفاده می‌کرده‌اند و آن را در جام نوشیدنی‌ها می‌ریختند و در این آیه نیز زنجبیل بهشتی را که پاکیزه‌تر و خوشبوتر است، در جام ابرار می‌ریزند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۱۴۲) و درباره سلسبیل نیز گفته شده آبی سبک، لذیذ و برنده است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۷۳) و در لغت صفتی است برای نهایت روان بودن (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۵۲) اما اسم علم برای چشمه در نظر گرفته شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۴۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۵۲) ابن عربی می‌گوید: این چشمه به دلیل شدت شوق و محبت و درد هجران، سلسبیل نامیده شده که دارای روانی است و عشاق هجرت کشیده که در پی وصالند از حرارت عشقشان در چنان حالی هستند که قابل مقایسه با هیچ حالی نیست. (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۹۴) در تفسیر صافی نیز آمده است: سلسبیل مقابل کوثر است که خداوند کوثر را به پیغمبر(ص) عنایت فرمود: «إِنَّا اعطیناک الکوثر» و سلسبیل را به خانواده ایشان، همانگونه که ساقی کوثر، امیرالمومنین(ع) است و به قدر ستاره‌های آسمان لیوان داشته، به شیعیان و دوستان خود می‌دهد؛ سلسبیل هم به دست آنهاست و به شیعیان و دوستان خود می‌دهند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۶۴)

۳-۲. کافور: یکی دیگر از نوشیدنی‌های بهشتی، شرابی است که طعم کافور دارد: «إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَتْ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (انسان/۵). در این آیه خداوند در وصف شراب بهشتیان می‌فرماید: نیکان همواره از جامی می‌نوشند که نوشیدنی‌اش آمیخته به کافور می‌باشد؛ مراد از «مزاجها کافور» خوشبویی و طعم آن شراب است که همانند کافور می‌باشد. (طبری، بی

تا، ج ۲۴: ۹۳) کافور در لغت گیاهی است خوشبو و آیه نشان می‌دهد که این شراب طهور بهشتی خوشبو است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۵۰) برخی از مفسران نیز آن را نام چشمه‌ای در بهشت می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۴۴) بنابراین می‌توان آن را نام چشمه‌ای دانست که در بهشت قرار دارد که از جهت طعم و خنکی مانند کافور دنیا است، جز آنکه مضراتی که کافور دنیایی دارد از آن سلب شده است، همانطور که بسیاری از ماکولات و مشروبات چنین ویژگی‌ای را دارند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۴۴) علامه در میزان می‌نویسد: «هرچیز خنک و خوشبویی را به آن (کافور) مثال می‌زنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۴) ابن عربی نیز کافور را چشمه‌ای دانسته که بندگان خاص از آن می‌نوشند، بندگان آنکه اهل وحدت ذاتی بوده و محبت آنها ربطی به صفات نداشته و به ذات مربوط است؛ به عبارتی، قهر، شدت و خوف برای آنها فرقی ندارد، بلکه محبت آنان با همه صفات متضاد خداوند پایدار بوده و لذت‌هایشان جاودان است. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۹۱)

۲-۴. ماء معین: یکی از اقسام مشروبات بهشتی، «ماء معین» است: «بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» (واقعه/۱۸). در سوره واقعه خداوند ضمن بیان وقوع قیامت، به چگونگی احوال مردم در آن روز می‌پردازد و آنها را سه گروه می‌کند: گروه سعادت‌مندان، گروه شقاوت‌مندان و گروه سوم که همان پیشگامان هستند. سپس در ادامه این گروه را مقربان معرفی نموده (أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (واقعه/۱۱) و در صدد بیان نعمت‌های مادی و معنوی آنان می‌باشد. در ادامه یکی از این نعمت‌ها را «ماء معین» تعبیر می‌کند با قدها و کوزه‌ها و جام‌هایی از باده ناب و پاک که از نوشیدنش سردرد نمی‌گیرند: «لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا» (واقعه/۱۹) و نه مست می‌شوند و نه بی‌خرد: «وَلَا يَنْزِفُونَ» (واقعه/۱۹) و سیراب می‌گردند. اکواب جمع «کوب» به معنای کوزه‌ای است که دسته نداشته باشد، برخلاف «ابریق» که هم دسته و هم لوله دارد و مراد از «معین» خمیری است که در مقابل دیدگان‌شان جریان دارد (طبری، بی تا، ج ۲۳: ۱۰۱؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۴۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ۱۳۶).

در واقع «معین» بیان وصف آن نوشیدنی است که در «کأس» یا در «أكواب و اباریق» می‌باشد. بنابر تعبیر علامه طباطبائی شرابی که پیش روی آدمی جریان دارد و برخلاف شراب دنیا، شرابی است که هیچگونه کسالت، مرض، ضعف، مستی و زوال عقل برای فرد نمی‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۲۲) و تنها یک حالت نشئه روحانی توصیف‌ناپذیر به بهشتیان دست می‌دهد که تمام وجودشان را در لذتی بی نظیر فرو می‌برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۲۱۳) درباره استعمال «معین» در توصیف نوشیدنی‌ها گفته شده که به معنای آن

نوشیدنی است که از پشت ظرف دیده می‌شود مانند آب و شراب که در ظرف بلورین باشد؛ این کلمه از ماده «عین» مشتق شده است، وقتی می‌گویند «عان الماء» معنایش این است که آب ظاهر گشت و روی زمین جریان یافت، و مراد از «کأس من معین» زلال بودن آب و یا شراب است. به همین جهت در آیات ۴۵-۴۷ سوره صافات، بعد از بیان عبارت «یطاف علیهم من معین» فرمود: «بیضاء» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۸۴)؛ این شراب، شراب صاف و زلال است که صفا و زلالی اش برای نوشندگان لذت بخش است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۳۷). در تفسیر عرفانی آمده است که: مراد از شراب، معرفت، عشق، درک، حکمت و علوم است که نشئگی ندارد، چرا که نوشندگان آن به لذت یقین رسیده و آن را دریافته‌اند و این محبت وصول، طوری است که نه درد شوق دارد و نه ترس از دست رفتن. همچنین نوشندگان، هوشیاری شان را از دست نمی‌دهند و با یافتن ذات از دریافت صفات محروم نیستند (رک: تفسیر ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۱۲)

۲-۵. شراب طهور: قرآن کریم از نوشیدنی پاک و پاک کننده‌ای نام می‌برد که فرشتگان آن را با قدها و پیمانه‌های لبریز در حالی که فراوان، زلال و شفاف است گرد افراد می‌چرخانند و پیوسته حرکت می‌کنند: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان/۲۱). این شراب در واقع قلوب و دل آن‌ها را از اخلاق رذیله، صفات خبیثه، خیالات فاسد و از هم و غم مصفا می‌سازد. در روایتی شراب طهور، پاک کننده همه چیز معرفی شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۱۱۳) وقتی بهشتیان شراب طهور می‌نوشند، همه چیز غیر از خدا از وجودشان پاک می‌شود و تمام هستی بهشتیان، عشق، یاد خدا و قرب بهت حضرتش می‌شود و ما سوی الله را فراموش می‌کنند.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث دیگری در خصوص آثار شراب طهور می‌فرماید: «فَيَطْهَرُ اللَّهُ بِهَا قُلُوبَهُمْ مِنَ الْحَسَدِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۱۵۷): «با نوشیدن این شراب خداوند، حسد را از وجود آن‌ها ریشه کن می‌کند.» آن‌ها دیگر با دیدن مقامات بهشتیانی که در درجات بالاتر هستند حسادت نمی‌ورزند. حسد یکی از بلاهای زندگی بشر است. گاه انسان تمام نعمت‌ها را در اختیار دارد، ولی باز تحمل دیدن راحتی دیگران را ندارد و نمی‌تواند ببیند دیگران هم امکاناتی دارند و آسوده زندگی می‌کنند. حسد بسان زندانی است که آزادی، آسایش و آرامش را از حسود سلب می‌کند. به هرحال، یکی از آثار شراب طهور برطرف کردن و ریشه کن نمودن این صفت زشت اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۷). علامه طباطبایی نیز غفلت از یاد خدا را، یکی از پلیدی‌هایی می‌داند که توسط این شراب از انسان پاک می‌شود؛ خداوند همه واسطه‌ها را حذف کرده و خوراندن این شراب به ایشان را مستقیماً به خود نسبت داده است.

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۳۰) نکته دیگر اینکه، درست است که در میان این نعمت‌ها نیز سخن از نوشیدنی‌های گوارا در میان بود، ولی میان آن‌ها و آنچه در این آیه (انسان/۲۱) آمده فرق بسیار است؛ زیرا از یک سو در یک‌جا ساقی، «ولدان مخلدون» بودند؛ اما در اینجا ساقی «خدا» است و چه تعبیر عجیبی؟! مخصوصاً با تکیه بر کلمه «رب». خداوندی که همیشه این انسان را پرورش داده و مالک و مربی او است وی را در مراحل تکامل همواره به پیش برده، تا به آخرین مرحله رسیده و اکنون نوبت آن است که ربوبیتش را به حد اعلا برساند، و با دست قدرتش از جام شراب طهور، بندگان ابرار و نیکان را سیراب و سرخوش سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۷۰)

۳. ویژگی شراب‌های بهشتی

بهشتیان هم لذت روحانی دارند و هم لذات مادی؛ لذات جسمی بهشتیان مانند لذات دنیوی خواهد بود مانند: خانه‌های وسیع: «خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً» (توبه/۷۲)، قرار داشتن بر تخت‌هایی به هم پیوسته: «عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَهُ مُمْكِنِينَ عَلَيْهَا» (واقعه/۱۶-۱۵)، خوراکی‌های بهشتی: «وَنُفُضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ...» (رعد/۴) و همسران پاکیزه: «فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» (بقره/۲۵). اما وعده شراب‌های بهشتی، در قرآن کریم به مومنان و ویژگی‌های آن‌ها با شراب‌های دنیایی متفاوت است که در جاهای مختلف برخی از این ویژگی‌ها ذکر شده است. البته توصیف نعمت‌های گرانقدر و بی‌نظیر بهشتی، با هیچ زبان و قلمی ممکن نیست و حتی به گفته خود قرآن در فکر هیچ‌کس هم خطور نمی‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده/۱۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۷۹). در آنچه که در پی خواهد آمد سعی شده با بهره‌گیری از آیات قرآن به برخی از این ویژگی‌ها اشاره شود.

۳-۱. گوارا: در چند جای قرآن کریم از شراب گوارا یاد می‌شود: «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (طور/۱۹؛ مرسلات/۴۳)، در آیه ۱۹ سوره طور، خداوند بعد از بیان حال کفار و عذابی که برای آن‌ها مهیا نموده است، از وعده ثواب متقین یاد می‌کند که در دنیا، از خوف الهی، از گناهان اجتناب کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۴۰۶؛ طبری، بی تا، ج ۲۲: ۴۶۶) در واقع به آن‌ها گفته می‌شود که از شراب گوارایی بنوشید که ترس از ضرر آن وجود ندارد (ر.ک: طبری، بی تا، ج ۲۲: ۴۶۶) و این شراب گوارا، فسادی که شراب دنیوی دارد را فاقد است و خورنده آن ترس از مرض ندارد چنانچه فخر رازی می‌گوید: «هنیئا» اشاره به خالی بودن طعام

و شراب ذکر شده از مفاسد دنیایی دارد. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴: ۳۵۰) خداوند در آیه ۴۳ سوره مرسلات نیز می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا» که ذیل این آیه نیز مفسران، هنیئا را به معنای گوارا گرفته‌اند؛ این شراب خالی از هرگونه سختی و زحمت و نرسیدن به مقصود است که ممکن است در یک خوردنی یا آشامیدنی دنیوی وجود داشته باشد (طبری، بی تا، ج ۱۶: ۲۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۵۰)؛ چرا که «هنیء» منفعت خالص را گویند که مجبور نیست مقدار زیادی از آن را به خاطر غائط و بول بیرون نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۲۱) علامه نیز ذیل همین آیه می‌نویسد: آیه بیانگر اذن و اباحه و کنایه از مطلق نعم به نعمت‌های بهشتی و تصرف در آن می‌باشد هرچند که از مقوله خوردن و آشامیدن نباشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۵۵)

۲-۳. سرد و خوشبو: یکی از ویژگی‌های شراب‌های بهشتی، خنک بودن و طعم و رایحه خنک آن است و خوشبویی را نیز به کافور مثال می‌زنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۴) برخی از صاحب‌نظران، تشبیه خنکی آن به کافور را اشاره به «یقین» دانسته‌اند که ابرار و نیکوکاران، در اثر رویه و سجیه نیک، انوار معرفت و محبت الهی در قلب آنان نفوذ می‌کند و از شراب معرفت سیراب می‌گردند و به واسطه یقین، دل آن‌ها خنک می‌گردد و از نسیم الطاف الهی برای همیشه محفوظ و شادمانند. مفسرین آیه را حمل بر قیامت کرده‌اند لکن آیه مطلق بوده و ممکن است گفته شود اگر آن سجیه یقین، در دنیا در قلب کسی وارد نگردد از آن شراب کافور نیز در آخرت نخواهد چشید. (اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۴: ۲۳۳)

خداوند در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره انسان می‌فرماید: «وَيَسْقُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا»؛ زنجبیل مزه تند مخصوص و لذت بخشی دارد و به‌نظر می‌رسد عرب، دو نوع شراب با دو حالت مختلف داشته است، یکی به اصطلاح نشاط‌آور و محرک و دیگری سست کننده و آرام بخش؛ اولی را به زنجبیل آمیخته و دومی را با کافور، و از آنجا که حقایق عالم آخرت در قالب الفاظ این جهان نمی‌گنجد چاره‌ای جز این نیست که این الفاظ، با معانی گسترده تر و والاتر، برای آن حقایق بزرگ استخدام شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۶۷) درباره زنجبیل هرچند تفاسیر مختلفی نقل شده، ولی غالباً به همان ریشه معطر و خوشبویی که در ادویه مخصوص غذا و نوشابه‌ها به کار می‌رود، تعبیر شده است؛ چرا که عرب خود را به آن خوشبو می‌کرد، به همین جهت خدا آن را در قرآن یاد کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۲۲).

۳-۳. شفاف، لذت‌بخش و اشتها آور: از دیگر ویژگی‌ها و تأثیراتی که شراب‌های بهشتی بر جان آدمی دارند، لذت بخشی آن‌ها است، چنانچه می‌فرماید: «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف/۷۱) در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره صافات می‌فرماید: «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَ لَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ»، همچنین در آیه ۱۸ سوره انسان، نوشیدنی لذت بخش را به صورت چشمه‌ای که جریان دارد و فراوانی آن از جام و ظرف‌ها فراتر است با تعبیر «سلسبیل» نام می‌برد که هم لذیذ و لذت بخش است و هم به راحتی و آسانی در دهان و حلق جریان می‌یابد. (طبری، بی تا، ج ۱۰: ۶۲؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۶۲)

هم چنین، خداوند از شرابی نام می‌برد که اثر آن در روح و جان، پر جاذبه و بسیار عمیق است «مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین/۲۸-۲۷). قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره صافات از «ماء معین» که شرابی صاف و زلال و لذت بخش برای نوشندگان است، نام برده است و از آن به وصف «بیضاء لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» یاد می‌کند. برخی از مفسران «بیضاء» را وصف کأس می‌دانند و گفته‌اند خمر بهشتی سفید تر از شیر می‌باشد. (طبری، بی تا، ج ۲۱: ۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳: ۱۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۸۵) عده‌ای دیگر از مفسران «بیضاء» را صفت خمر می‌دانند (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۴۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۱۲۲) «بیضاء» شرابی سفید است که رنگ آن در نهایت رقت و روانی بوده و دارای لطافت و روحانیت است و لذت بیانگر طعم خوش و لذیذ آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۳۷)

همچنین گفته شده که «لذّه» (صافات/ ۴۵-۴۶) مصدری است که معنای وصفی، از آن اراده شده، تا مبالغه را افاده کند. ممکن است که مؤنث «لذّه» باشد که آن نیز مؤنث است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۸۵) در جای دیگر «لذت» به چشمان نسبت داده شده است: «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ» (زخرف/۷۱) آنجا که می‌فرماید: «تَلَذُّ الْأَعْيُنُ»؛ از این جهت که انسان با دیدن، متوجه لذت‌ها می‌شود و دیدن از اسباب لذت بردن است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۲۱۶) بنابراین در آیه مذکور خداوند کاسه و جام را نام برده تا اشاره به غذاها و نوشابه‌هایی نماید که بهشتیان می‌خورند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۸۵) گویا مقصود این بوده که غذاهای رنگارنگ و کاسه‌هایی از طلا و شراب‌ها در کوزه‌های خاص، برای بندگان مخلص خداوند انتقال داده می‌شود، و اگر به «صحاف» و «أكواب» تعبیر شده، منظور غذا و شراب بوده است. (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۲۱۶) در وصف دیگری می‌فرماید: «تَشْتَهُهِ الْأَنْفُسُ» (صافات/۷۱) که

بیانگر آن است که در بهشت آنچه انسان دلش بخواهد برای او مهیاست از انواع نعمت‌ها، نوشیدنی‌ها، خوراکی‌ها، پوشاک و مانند آن گرفته تا آنچه که چشم از دیدن آن لذت و شهوت طبیعی به آن تعلق دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۴۷) نتیجه اینکه با توجه به ضمیر «ها» که به بهشت برمی‌گردد، این دو ویژگی «تلذذ چشم‌ها و اشتهای نفس»، شامل تمام نعمت‌های بهشتی است که شراب الهی نیز یکی از آنهاست. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۲۱۶)

۳-۴. پاک و تغییرناپذیر: قرآن کریم از شرابی به‌عنوان نوشیدنی پاک و پاک‌کننده به‌عنوان نعمت بهشتی یاد می‌کند. آن‌جا که می‌فرماید: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان/۲۱) این شراب، پاک از نجاست‌ها پاک است و دست و پای آنها را مانند شراب دنیا آلوده نمی‌سازد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۳۰) «طهور» به معنی چیزی است که هم پاک است و هم پاک‌کننده؛ به این ترتیب شراب طهور، جسم و روح انسان را از هرگونه آلودگی و ناپاکی پاک می‌کند و آن چنان روحانیست و نورانیت و نشاط به او می‌بخشد که وصفش در هیچ عبارتی نمی‌گنجد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۷۰)

ویژگی دیگری که برای شراب‌های بهشتی ذکر شده، تغییرناپذیری آن‌ها از جهت پاکی، طعم و ... است: «مَثَلُ الْحَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى». (محمد/۱۵) «آسن» به معنای بدبو است، بنابراین مقصود از «ماء غیر آسن» آبی است که بر اثر گذشت زمان، بو و طعم آن تغییر نمی‌کند. (زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸: ۴۷) در ادامه همین آیه آمده است: و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته است چرا که شیرهای دنیا بعد از مدتی ترشیده و فاسد می‌شوند ولی شیرهایی که در انهار بهشتی جاری اند طعمشان متغیر نشده و نخواهد شد. (زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۱۸۶) همچنین آیه، اشاره به نهرهایی از عسل دارد که خالص بوده و فاقد موم و عیب‌هایی است که عسل‌های دنیا دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۲۳۳) فخر رازی یکی از ویژگی‌های بهشت را فرا زمانی بودن می‌داند و می‌گوید آب‌های دنیا در طول زمان متغیر می‌شوند، ولی آب نهرهای بهشتی تغییر ندارد، زیرا که قانون کهولت و کهنه شدن در قیامت از ماده برداشته خواهد شد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸: ۴۶) نکته این که در تفسیر مخزن العرفان آمده است این چهار نهری را که در آیه تذکر داده، شاید به چهار مرحله از مراحل سیر سائرین الی الله تشبیه شده باشد، زیرا تحصیل حقیقت تقوا، منوط به گذشتن از این مراحل است و بدون سیر در آن، حقیقت تقوا برای کسی میسر نخواهد گردید؛ به همین علت است که آن چهار چشمه به متقین

نسبت داده شده است و چنانچه چهار انهار در زمین بهشت به زیر شجره طوبی روان است چهار جوی نیز در زمین دل عارف در زیر شجره طیبه «اصلها ثابت و فرعها فی السماء» جاری است. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۱۴۲)

نهر اول، نهر آب: نخستین مرتبه تحصیل تقوی، منوط به این است که طالب تقوا اول در دریای رحمت و مغفرت الهی غوطه ور گردد و از پلیدی‌های نفسانی و طبیعی خود را شستشو دهد تا از اوصاف حیوانی و وحشیانه پاک شود و دل و جان وی از زشتی‌های اخلاقی تصفیه گردد. کسی که دل و جان وی آلوده است، توفیق بهره مندی از نهر آبی که از سرچشمه رحمت ایزدی تراوش می‌نماید، نخواهد داشت.

نهر دوم، نهر شیر: پس از آنکه دل و قلب آدمی از صفات حیوانی خالی گردید آن وقت ممکن است به ذکر خدا و یاد او، آن را نرم و لین گرداند. علت تشبیه به شیر آن است که چون شیر مزاج را لینت می‌دهد، ذکر خدا و یاد او نیز قلب را از قساوت بیرون آورده و نرم و لطیف می‌گرداند. از آن جا که در آخرت، هر چیزی به قالب معنی ظهور می‌کند لینت قلب نیز در قیامت به صورت نهر شیر مصفا تظاهر می‌نماید.

نهر سوم، نهر خمر: وقتی انسان از این دو مرحله گذشت، در او عشق و شوق به آشامیدن شراب رحمت و معرفت الهی پدید می‌آید، آن وقت به حالت سکر، مست جمال و جلال ایزدی می‌گردد و از عشق سر از پا نمی‌شناسد. پس جوی خمر، جوشش محبت الهی است.

نهر چهارم، نهر عسل: (اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۱۷۲-۱۷۳) در این حالت فرد چنان شیفته اوصاف جلال و جمال احدیت می‌گردد که هر چه غیر از اوست حتی خودش را نیز فراموش می‌کند آن وقت مثل زر ناب خالص گردیده و به آخرین درجه تقوا خواهد رسید. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۱۴۲؛ اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۱۷۲-۱۷۳) برخی این چهار نهر را انواع علوم و معارف حقیقی می‌دانند که دل را زنده و غرائز را سیراب می‌کند و با شک، شبهه، وهمیات، اختلاف، مفاسد و عادات تغییر نمی‌کند و آن مختص پرهیزگاران است. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۶۵)

۳-۵. عدم مستی و سکرآوری: یکی از ویژگی‌های بسیار مهم شراب بهشتی این است که هیچ ارتباط و وجه تشابهی با خمر و شراب آلوده دنیا ندارد: «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ» (صافات/۴۵-۴۷). ویژگی مهم شراب بهشتی، عدم مستی و سکرآوری آن است. «غول» (بر وزن قول) در اصل به معنی فساد است که به طور پنهانی در چیزی نفوذ می‌کند. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۵۰۷) «ینزفون»

نیز در اصل از ماده «نزف» (بر وزن حذف) به معنی از بین بردن چیزی به صورت تدریجی است. این واژه هنگامی که در مورد آب چاه به کار می‌رود مفهومی است که آب را تدریجاً از چاه بکشند تا پایان یابد؛ وجه تسمیه این دو کلمه در این آیه از این روست که از بین رفتن تدریجی عقل و رسیدن به حد مستی، که در مورد شراب طهور بهشت مطلقاً وجود ندارد، نه از عقل می‌کاهد و نه فساد تولید می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۵) این دو تعبیر، بیان بسیار ظریف و دقیقی در مورد شراب‌های دنیا و مواد الکلی است که به صورت تدریجی و مخفیانه در وجود انسان نفوذ می‌کنند و فساد و تباهی می‌آفرینند، نه تنها عقل و سلسله اعصاب را به ویرانی می‌کشند که در تمام دستگاه‌های بدن انسان از قلب تا عروق، از معده تا کلیه‌ها و کبد تأثیر مخرب غیر قابل انکاری دارند، گویی انسان را «ترور» می‌کنند و نابود می‌سازند و نیز عقل و هوش انسان را همانند آب چاه تدریجاً می‌کشند تا آن را خشک و خالی نمایند، ولی شراب طهور الهی در قیامت از همه این صفات خالی است. (همان) پس با دقت در آیات قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱) شراب دنیایی مست کننده است و با تعطیل کردن عقل و هوش آدمی، او را از یاد خدا غافل می‌کند: «إِنَّمَا يَرِيْدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده/۹۱)، اما در نوشیدن شراب بهشتی هیچ گونه زوال عقل و هوش وجود ندارد: «لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يَنْزِفُونَ» (واقعه/۱۹).

۲) از آثار مهم نوشیدن شراب دنیوی، لغوگویی، بد و بیراه گفتن و گناه است، اما شراب بهشتی هرگز چنین آثاری به دنبال ندارد «يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْنٌ فِيهَا وَ لَا تَأْتِيهِمْ» (طور:۲۳)، بلکه خاصیت این شراب این است که همه ناپاکی‌ها را زایل می‌کند و از جمله ناپاکی‌ها، غفلت از خدای متعال است که این را هم پاک می‌نماید، از این رو بهشتیان از خدای متعال غافل و محجوب نیستند. (طباطبایی، ۴۱۷ق. ج ۲۰: ۱۳۱)

۳) در شراب دنیوی پلیدی وجود دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۹۰)، اما شراب بهشتی طیب و طاهر است: «بِأَكْوَابٍ وَ أَبَارِيقٍ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يَنْزِفُونَ» (واقعه/۱۹-۱۸).

۴) شراب دنیایی عملی شیطانی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» (مائده:۹۰)، اما شراب طهور بهشتی لذت توجه به غیر خدا را منحرف کرده و نوشنده آن برای مطالعه جمال حق، خالص می‌شود. (مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۶۵)

۵) اشربه و غذاهای بهشتی به همان طراوت و تازگی و بدون تحول و تغییر باقی می‌مانند: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» (محمد/۱۵).

اطعمه و اشربه بهشتی نه گرسنگی و نه تشنگی دارند و نه سیرایی که دیگر میل نداشته باشند، زیرا گرسنگی و بی میلی هر دو الم است و آلام در بهشت نیست. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۷۵) چنانچه قرآن می‌فرماید: «أَكُلْهَا دَائِمًا» (رعد/۳۵)، پس شراب‌ها و نوشیدنی‌های بهشتی، ماهیتی کاملاً متفاوت با شراب‌های دنیوی دارند. به نظر می‌رسد ویژگی‌ها و توصیفاتی که برای شراب‌های بهشتی ذکر شده است از جهت نزدیک کردن آن‌ها به ذهن مخاطب می‌باشد و هیچ زبانی قادر به بیان ویژگی‌های آن‌ها نیست.

۴. نوشندگان شراب‌های بهشتی و مراتب آن‌ها

شراب‌های بهشتی پاداش بندگان مقرب، متقی و... می‌باشد که در ذیل به بیان آن‌ها پرداخته خواهد شد. در روایات متعدد، شراب بهشتی پاداش کسانی ذکر شده که از شراب آلوده دنیا چشم‌پوشند. در روایتی آمده که هر کس شراب را برای صیانت نفس خود ترک کند خداوند او را از رحیق مختوم می‌نوشاند: «مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لِعَبْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ قَالَ قُلْتُ فَيَتْرُكُهُ لِعَبْرِ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ صِيَانَةُ لِنَفْسِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۳۰)

۴-۱. سابقان، مقربان و عبادالله مخلص: قرآن کریم تسنیم را که برترین شراب بهشتی است پاداش «مقربان» می‌داند و در جای دیگر یکی از چشمه‌های گوارا و شراب‌های ویژه «عبادالله» یاد می‌کند: «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (انسان/۶) این شراب، خاص مقربان است نه تمام اهل بهشت، چون اهل بهشت دو دسته هستند: مقربین و اصحاب یمین، و «مقربان»، آن‌هایی هستند که حتی ترک اولی هم از آن‌ها صادر نشده و «عبادالله» به درجه‌های عبادیت رسیده‌اند که هیچگاه از تحت فرمان مولی خارج نشده‌اند؛ لذا گفته‌اند: مقام عبودیت بالاتر از مقام رسالت است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۱۷) گرچه برخی از آیات، نوشندگان شراب‌های بهشتی را به وصف «ابرار، مخلصین و عبادالله» یاد کرده است، اما به نظر می‌رسد که مقربان همان «عبادالله، ابرار» می‌باشند. با مقایسه آیات سوره دهر و مطففین روشن می‌شود که در آیه ۵ سوره انسان، «عبادالله» از اصل چشمه کافور می‌نوشند: «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ» (انسان/۶۰) و در سوره مطففین نیز نوشیدن شراب‌های بهشتی از چشمه تسنیم توسط «مقربان» می‌باشد: «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین/۲۸).

عبداللہ قطب در این باره گفته است: برای این دسته از اولیای الہی، خداوند به مقتضای ہر یک از اوصافشان، وعده شراب متناسب با آن مقام را داده است. مثلاً متناسب با صفت سابق بودن آن‌ها، وعده زنجبیل داده، برای آنکہ زنجبیل بہ طبع گرم است، و متناسب با صفت سابق بودن ایشان در اتصاف بہ محبت است و سلسبیل را بہ خاطر روان بودن و سرعت سرازیر شدن آن، عطا نموده است و در مقابل، وصف عباداللہ بودن ایشان کہ بہ خاطر اتصافشان بہ «رضا»ست، وعده چشمہ «کافور» داده شدہ است. برای آن کہ طبع رضا سرد است و مقتضی سکون و طمأنینت، بر عکس محبت کہ گرم است و متحرک، و رضا قناعت است و قناعت اکتفا است بہ موجود، پس سرد و ساکن است. و تسمیہ ایشان بہ مقربین نظر بہ نصیبی است کہ ایشان در قرب بہ ذات الہی دارند و چشمہ‌ای کہ بہ پاداش این معنی برایشان آمادہ شدہ «تسنیم» نام دارد کہ مشتق است از سنام؛ کہ نام ذرہ کوه و کوهان شتر است و آن چشمہ‌ای است کہ از مقامی اعلی می‌آید، نہ مانند زنجبیل بہ طبع گرم است و نہ مانند کافور سرد، و شریف‌تر از آن چشمہ‌ای در بہشت نیست و از زیر عرش زاید و از هوا بہ مقامات اہل بہشت فرود آید، در حالیکہ مومنان عام از چشمہ‌ای می‌نوشند کہ آمیختہ بہ کافور است و برای ایشان بہ مقتضای ہر صفت، شرابی داده شدہ است. (ر.ک: قطب بن محیی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۳) نتیجہ این کہ «عباداللہ» در سورہ انسان همان «مقربان» در سورہ مطففین هستند و خداوند در سورہ واقعہ از آن‌ها با تعبیر «السابقون السابقون» (واقعہ/۱۰) یاد می‌کند و معلوم است کہ چنین مرتبہ‌ای برای کسی حاصل نمی‌شود مگر از راہ عبودیت و عبودیت نیز تنها بہ عبد و تابع محض بودن حاصل می‌آید و اینکہ عبد چیزی نخواهد و عملی نکند جز طبق ارادہ مولا کہ همان داخل شدن در تحت ولایت خداست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۲۳۹)

همان‌طور کہ اشارہ شد گاهی، نوشندگان شراب‌های بہشتی بہ وصف «مقربان» معرفی می‌شوند: «وَ مَرَاۓٔۃً مِّنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین/۲۷-۲۸) و یکی از چشمہ‌های گوارا و شراب‌هایی کہ عباداللہ از آن چشمہ می‌آشامند در آیہ «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يَفَجَّرُوهَا تَفْجِيرًا» (انسان/۶) بیان شدہ است و آیہ شاهد بر این است کہ آن شراب، خالص بعضی افراد است کہ مقربان باشند نہ تمام اہل بہشت، چون اہل بہشت دو دستہ هستند: مقربون و اصحاب یمین. همان‌طور کہ اشارہ شد در سورہ انسان، خداوند از ابرار سخن می‌گوید کہ از شرابی آمیختہ بہ کافور می‌نوشند.

۴-۲. ابرار: ابرار اشارہ بہ بندگان خالص است کہ مخصوص بہ اسم اعظم اند کہ شامل تمامی اسماءاللہ می‌باشد و آن‌ها کسانی هستند کہ پروردگارشان آنان را سیراب گردانیدہ و

تجلی یافته‌اند به اسم «الباسط» و به آنان از کاسه محبت، شراب طهور عشق که ممزوج به کافور گردیده، چشاندند و قلب‌های آن‌ها از زیادتی رحمت و شمول نعمت، پر گردیده است. (حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۲۶۳)

برای ابرار، مقداری از شراب را با رحیق مختوم، که نوع دیگری از شراب طهور بهشتی است، می‌آمیزد: «إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يَسْتَقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتِنَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین/۲۲-۲۶). در سوره انسان آیه ۵ نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا». در اینجا خداوند از ابرار سخن می‌گوید که از شرابی آمیخته با کافور می‌نوشند.

کلمه «بر» به فتحه باء، به معنای کسی است که خیر را بدان جهت که خیر است می‌خواهد، نه بدان جهت که اگر انجام دهد نفعی عایدش می‌شود، بلکه حتی در صورتی هم که خودش آن را دوست نمی‌دارد صرفاً به خاطر اینکه خیر است انجام می‌دهد، و بر تلخی آن که مخالف با خواهش نفسش است صبر می‌کند، و عمل خیر را بدان جهت که فی نفسه خیر است انجام می‌دهد، هر چند به زحمت و ضرر خود تمام شود، نظیر وفای به نذر. و یا بدان جهت که برای دیگران نافع است انجام می‌دهد مانند اطعام طعام به بندگان مستحق خدا. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۴) بعضی گفته‌اند: آن‌ها افرادی هستند که حقوق واجب و مستحبته را اداء می‌کنند (طبری، بی تا، ج ۲۹: ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۶) و تمام خاندان رسالت علیهم السلام و موافقین و طرفداران آن‌ها و بسیاری از مخالفین ایشان اتفاق کردند که مراد از ابرار، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است و آیه مزبور و آیات بعد از آن متعین است که در باره آن‌ها نازل شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۶)

ابن عربی هم ابرار را سعادت‌مندانی معرفی می‌کند که از آثار و افعال خارج شده، ولی صفات را دارند؛ در این مرحله توقف نمی‌کنند و به سوی چشمه ذات رهسپار می‌شوند و با توجه به اینکه هنوز در چشمه صفات و سیر و سلوک باقی اند نه تنها از جام محبت حسن و صفات می‌نوشند بلکه در شراب آن‌ها مخلوطی از لذت محبت ذات هم هست و آن چشمه با طعم کافور است که لذت گوارای یقین را دارد. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۹۲)

از جمله اوصافی که خداوند در سوره انسان برای ابرار بیان فرموده، وفای به نذر، خوف از پروردگار و روز حساب، اطعام مساکین، ایتم و اسراء، اخلاص در اطعام و صبر می‌باشد (ر.ک: انسان/۵-۲۲). اما با توجه به اینکه شراب ابرار، شرابی آمیخته با کافور است و شراب مقربان و عبادالله شرابی است که مستقیماً از خود چشمه می‌باشد (ر.ک: انسان/۶؛ مطففین/۲۸)،

می‌توان به این نتیجه رسید که: مقام «مقربان» بالاتر از «ابرار» می‌باشد اما باید دید که چه رابطه‌ای بین مقربان و ابرار وجود دارد؟ با توجه به اینکه در آیات قرآن به کرات سخن از ابرار و مقربان و مقامات و پاداش‌های عظیم آن‌ها به میان آمده و در آیات سوره دهر و مطففین نیز پاداش‌های بسیار مهمی برای آن‌ها ذکر شده است، ظاهراً نسبت میان ابرار و مقربان، «عموم و خصوص مطلق» است؛ یعنی همه مقربان از ابرار هستند ولی همه ابرار در سلب مقربان نیستند. بدون شک نور مقدس پنج تن از روشن‌ترین مصادیق ابرار و مقربان می‌باشد و سوره انسان عمدتاً بر حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و حسنین (علیهم السلام) دلالت دارد و هجده آیه از آن بحث از فضایل آن‌هاست که مصادیق بارز عبادالله در قرآن هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۸۰)

تسنیم بهترین و شریف‌ترین آشامیدنی موجود در بهشت است که برای اصحاب یمین و سایر ساکنان بهشت، مخلوط و آمیخته است. (رک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۳۵) بنابراین برای مقربین چشمه خالص وجود دارد و برای اهل یمین اگر چه از خوبان، صلحاء و مؤمنین محسوبند، لکن مثل مقربین خالص نیستند، لذا آمیخته‌ای از حقیق مختوم می‌نوشند.

در تفسیر روح البیان مقصود از قرب «قرب معنوی روحانی» دانسته شده است؛ یعنی مقربین از آب صرف خالص می‌آشامند و (بها) در آیه اشاره به این است که تسنیم در بهشت روحانی است و آن ناشی از معرفت خدا و محبت او و لذت نظر (بوجهه الکریم) است و حقیق، آن ابتهاج و سروری است که گاهی از نظر بوجه الله پدید می‌گردد و گاهی از نظر نمودن به مخلوقات پیدا می‌شود و مقربین افضل و بالاتر از ابرارند. چنانچه تسنیم، اعلی و احلی از حقیق است و چون مقربین مشغول بما سوی الله نشدند و محبت حق را به محبت غیر آمیخته نگردانیدند شراب ایشان صرف و خالص است و آنان که محبت آن‌ها آمیخته باشد شراب آن‌ها نیز ممزوج می‌باشد. (حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۳۷۲)

۳-۴. متقین: در برخی آیات به طور عام، شراب بهشتی پاداش کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند (طور/۱۹؛ محمد/۱۵؛ مرسلات/۴۳)، چرا که اهل تقوا در بهشت حکمشان رواست به نحوی که بین آنان و خواسته‌هایشان واسطه‌ای نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۲۱۸) متقین کسانی هستند که از نافرمانی خدا دوری جستند (رک: طبری، بی تا، ج ۲۶: ۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲،

ج ۹: ۲۵۰)، البته به خاطر ترس از عذاب الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۵۰) و اداء فرائض (طبری، بی تا، ج ۲۶: ۳۱) و از رذائل و صفات نفس پرهیز می‌کنند. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۸۹)

تعبیر «متقین» (پرهیزگاران) به جای «مؤمنین»، به خاطر آن است که این عنوان هم ایمان و هم جنبه‌های عمل صالح را در بردارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۳۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۴۲۵) به خصوص اینکه «تقوی» در یک مرحله مقدمه و پایه ایمان است، زیرا اگر انسان دارای تعهد و احساس مسئولیت و روح حق جویی و حق طلبی که مرحله‌ای از تقوی است، نباشد هرگز به دنبال تحقیق از آئین حق نمی‌رود، و هدایت قرآن را نمی‌پذیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۴۲۵) ابن عربی در ذیل آیه ۱۵ سوره محمد آن چهار چشمه را انواع علوم می‌داند و آن را متعلق به پرهیزگاران دانسته و در توصیف آن‌ها چنین می‌نویسد: آنان کسانی هستند که از صفات نفسانی رها شده و به مقام قلب رسیده‌اند و این رودها که سرشار از علوم سودمند هستند، مختص کسانی است که آمادگی سیر و سلوک و تحمل ریاضت را دارند اما هنوز به مقام قلب نرسیده‌اند که این کار با پرهیزکاری میسر است و مصداق آن نیز شریعت و حکمت عملی است که به مثابه شیر برای کودک است و طعم آن نیز با آلودگی هوا و هوس و بدعت‌ها و اختلافات اهل مذاهب تغییر نکرده است. (ر.ک: تفسیر ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۶۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شراب بهشتی، به‌عنوان یک نعمت الهی که در تعدادی از آیات قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است؛ متناسب با درجاتی است که بهشتیان دارند. نوشندگان شراب‌های بهشتی را می‌توان به دو گروه مومنان خاص و مومنان عام تقسیم نمود، مومنان خاص همان «مقربان، سابقان و عبادالله مخلص» هستند که از هریک از شراب‌ها به مقتضای وصفی که دارند به‌طور جداگانه می‌نوشند و مومنان عام، بندگان خوب خداوند هستند که در قرآن به وصف «ابرار، اصحاب یمین و متقین» ذکر شده‌اند، آن‌ها از رحیقی آمیخته به شراب‌ها بهره‌مندند؛ چرا که ظرفیت نوشیدن جداگانه شراب‌ها را ندارند ولی چون بندگان خوب خدا هستند بدر شراب آن‌ها آمیخته‌ای از شراب‌های گروه اول دیده می‌شود.

نام شراب‌ها	وصف نوشندگان
ماء معین، کافور، شراب طهور، زنجبیل، شراب چشمه سلسبیل، شراب چشمه تسنیم	مؤمنان خاص: مقربان، عبادالله، مخلصین، سابقین
برای این دسته از مؤمنان شراب با نام خاص نام برده نمی‌شود بلکه در مقابل آنچه انجام داده‌اند، از ویژگی شرابی که آن‌ها می‌نوشند سخن می‌آید. برای نمونه در آیه ۱۹ سوره طور می‌فرماید: «هَنِيئاً بما كنتم تعلمون» و یا در آیه ۴۳ مرسلات پاداش ایمان آورندگان به آیات الهی شرابی است که با ظرف‌هایی از طلا و نقره بر آن‌ها نوشانده می‌شود، به طوری که نفس را به اشتها و چشم‌ها را لذت می‌بخشد و در نهایت نیز پاداش ابرار، رحیق مختومی است که ختام آن مسک و مزاج آن از تسنیم است.	مؤمنان عام: ابرار، متقین، اصحاب یمین، ایمان آورندگان به آیات الهی

بیان نعمت‌های و شراب‌های بهشتی و آشنایی با ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها، می‌تواند انگیزه انسان را برای پیمودن صراط مستقیم و قرار گرفتن در صف بندگان خاص و مخلص ارتقاء بخشد؛ مخفی نماند: «شنیدن کی بود مانند دیدن»؛ آن چه به‌عنوان نعمت‌ها و شراب‌های بهشتی در قرآن و روایات یادآوری شده، جملگی برای تقریب به ذهن مادی بشر، این گونه توصیف شده‌اند؛ اما حقیقت و باطن نعمت‌های بهشتی و شراب طهور و لذتی که برای بهشتیان ایجاد می‌کند قابل وصف نیست و همه رتبه و ارزش این نعمت‌ها در برابر نعمت معنوی رضوان الهی، بدون تردید پایین تر است چه این که فرمود: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه/۷۲): خداوند به مردان و زنان مؤمن، وعده بهشت‌هایی را می‌دهد که نهرها در زیر آن جاریست و در آن جاودانه خواهند بود و همچنین قصرهای پاکیزه در بهشتهای جاوید و از همه بالاتر خشنودی خداست، این همان رستگاری عظیم است.

خداوند در مقابل ایمان و عمل، به مؤمنان وعده‌های نیکویی داده است که شامل بهشت‌ها با جوی‌های روان و قصرهای مطهر و باغ‌های مستقر و جاوید و رضوان خدا می‌باشد، ولی خشنودی خدا از همه اینها بالاتر است، چون رضوان خدا محدود و مقدر بشر نیست تا وهم او بدان دست یابد. رضوان خدا در واقع و حقیقت، در بردارنده همه رستگاری و فوز است، زیرا حقیقت بندگی

آنست که انسانف خدا را از جهت حب و عشق به او، بپرستد نه به طمع بهشت و نه از خوف دوزخ؛ بنبا بریان سعادت حقیقی آنست که عاشق و محب، رضایت محبوب خود را بدست آورد و نه چیز دیگر.

از امام سجاد(ع) روایت شده که فرمود: «إذا صار اهل الجنة فى الجنة... فيقول لهم تبارك و تعالی: رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فی... ثم قرء علی بن الحسین هذه الآية «وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنات تجرى من تحتها الانهار ... و رضوان من الله اكبر...»؛ (عیاشی، ۱۳۷۹ش، ج ۲: ۹۶، ح ۸۸) آن‌گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند... خدای تبارک و تعالی به آنان می‌فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمت‌های بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام(ع) این آیه را قراءت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر درختانش جاری است... و رضایت و خشنودی خدا [از همه این‌ها] بزرگ‌تر است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، محقق: عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳. ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۸م)، جمهره اللغه، دارالمعلم للملایین، بیروت.
۴. ابن عربی، محی الدین محمد، (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی، محقق: سمیر مصطفی رباب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دار صادر، بیروت.
۷. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. اصفهانی، بانو امین، (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران.
۹. حقی بروسوی، اسماعیل، (بی تا)، روح البیان، دارالفکر، بیروت.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، دارالقلم، بیروت.
۱۱. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار کتاب العربی، بیروت.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ناصر خسرو، تهران.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، (بی تا)، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بی نا، بی جا.
۱۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، محقق: سید احمد حسینی، مرتضوی، تهران.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۷. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان تفسیر القرآن، نشر اسلام، تهران.
۱۸. عبدالباقی، محمدفواد، (۱۴۲۰ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، موسسه علمی للمطبوعات، بیروت.
۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چاپ چهارم، قم.
۲۰. عیاشی، ابو نصر محمد بن مسعود، (۱۳۷۹)، تفسیر عیاشی، بنیاد بعثت، قم.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، نشر هجرت، قم.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی محقق: حسن اعلمی، مکتبه الصدر، تهران.
۲۴. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، ناصر خسرو، تهران.
۲۶. قطب بن محیی، عبدالله، (۱۳۸۴)، مکاتیب قطب، انتشارات قائم آل محمد (ص)، قم.
۲۷. کاشفی، حسین بن علی، (۱۳۶۹)، مواهب علیه، محقق: سید محمد رضا جلالی نائینی، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۰. مشهدی، محمد، (۱۳۶۸)، کنزالدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۳۱. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، آیات ولایت در قرآن، انتشارات نسل جوان، قم.